



Challenges and Opportunities for Measuring Fair Value, in International Financial Reporting Standards Adoption in Iran

Mohammad Moradi

*Corresponding author, Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: moradimt@ut.ac.ir

Morteza Jafari Daredor

MSc., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: morteza_jafari@ut.ac.ir

Sohrab Hosseinzadeh

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: s_hoseinzadeh@ut.ac.ir

Abstract

Objective: The Board of the Securities and Exchange Organization has required some public firms to prepare financial statements in accordance with International Financial Reporting Standards (IFRS), based on the approval of the Auditing Organization since the beginning of 2016. Despite high quality of above mentioned standards, studies show that the quality of accounting standards is influenced by the political, cultural and economic environment of countries. On the other hand, fair value measurement and disclosure is actually the main difference between Iranian National Standards and International Financial Reporting Standards (IFRS). Based on mentioned issues, the main purpose of this study is to determine the challenges and opportunities of measuring fair values in International Financial Reporting Standards (IFRS) adoption in Iran.

Methods: Based on research purpose and theoretical saturation, interviews have been held with 14 experts from the Stock Exchange, the auditors, the licensed experts, the CPAs and the Professors, in accordance with the typology of challenges and opportunities. These interviews were analyzed based on thematic analysis.

Results: Research findings indicate that the economic environment, education, measurement inputs, fair value audits and resistance are main challenges of IFRS adoption, and the accuracy of accounting information, transparency and consistency are opportunities of IFRS adoption.

Conclusion: In International Financial Reporting Standards adoption, besides the importance of economic environment, behavioral factors and fair value measurement, training of accountant, and auditor is also vital. Measuring and reporting fair values also enhance the accuracy, transparency and comparability and overall usefulness of accounting information.

Keywords: Fair value, International financial reporting standards, Thematic analysis.

Citation: Moradi, M., Jafari Daredor, M., & Hosseinzadeh, S. (2019). Challenges and Opportunities for Measuring Fair Value, in International Financial Reporting Standards Adoption in Iran. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(3), 456-481. (in Persian)

Journal of Accounting and Auditing Review, 2019, Vol. 26, No.3, pp. 456-481

DOI: 10.22059/acctgrev.2019.288901.1008269

Received: February 14, 2019; Accepted: August 16, 2019

© Faculty of Management, University of Tehran





چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران

محمد مرادی

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: moradimt@ut.ac.ir

مرتضی جعفری دره‌در

کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: morteza_jafari@ut.ac.ir

سهراب حسین‌زاده

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: s_hoseinzadeh@ut.ac.ir

چکیده

هدف: هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، به استناد مصوبه مجمع عمومی سازمان حسابداری، از ابتدای سال ۱۳۹۵ برخی شرکت‌های بورسی را به تهیه صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ملزم کرده است. با وجود کیفیت عالی استانداردهای بین‌المللی، پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که کیفیت استانداردهای حسابداری تحت تأثیر محیط‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، تفاوت اصلی استانداردهای حسابداری ایران با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه است. این پژوهش با هدف تعیین چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در ایران، در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، صورت گرفته است.

روش: در راستای اهداف پژوهش و در نظر گرفتن اشباع نظری با ۱۴ نفر از خبرگان شاغل در سازمان بورس اوراق بهادار، افراد شاغل در سازمان حسابداری، کارشناس رسمی دادگستری، حسابداران رسمی، اعضای هیئت علمی دانشگاه، مطابق با رویکرد نوع‌شناسی چالش‌ها و فرصت‌ها، مصاحبه‌ای صورت گرفت و بر اساس تحلیل تم، اطلاعات به‌دست‌آمده تحلیل شد.

یافته‌ها: مطابق با یافته‌های پژوهش، محیط اقتصادی، آموزش، ورودی‌های اندازه‌گیری، حسابداری ارزش‌های منصفانه و مقاومت، چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه شناخته شدند و صحت اطلاعات حسابداری، شفافیت و همسان‌سازی، فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه بودند.

نتیجه‌گیری: برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، علاوه بر اینکه می‌بایست به محیط اقتصادی، فاکتورهای رفتاری و اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه توجه شود، آموزش حسابداران و حساب‌رسان نیز امری حیاتی به نظر می‌رسد. همچنین، اندازه‌گیری و گزارشگری ارزش‌های منصفانه، صحت، شفافیت و قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهد و به‌طور کلی به مفید بودن اطلاعات حسابداری کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ارزش منصفانه، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تحلیل تم.

استناد: مرادی، محمد؛ جعفری دره‌در، مرتضی؛ حسین‌زاده، سهراب (۱۳۹۸). چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۳)، ۴۵۶-۴۸۱.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۹۸، دوره ۲۶، شماره ۳، صص. ۴۵۶-۴۸۱

DOI: 10.22059/acctgrev.2019.288901.1008269

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵، پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، به استناد مصوبه مجمع عمومی سازمان حسابرسی مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۲، برخی شرکت‌های بورسی را به تهیه صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱، ملزم کرده است. همچنین با تغییرات اخیر استانداردهای حسابداری ایران از ابتدای سال ۱۳۹۸، به‌نوعی حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کلید خورده است. به‌طور کلی، دو هدف اصلی پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی، افزایش کیفیت گزارشگری مالی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در میان کشورهاست. به نقل از هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲، این اهداف بدین صورت هستند: «... مجموعه صورت‌های مالی با کیفیت، فهم‌پذیر و حمایت‌پذیر، از نظر جهانی پذیرفته‌شده و مبتنی بر اصولی است که به‌طور واضح به هم مرتبط است. این استانداردها در صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های مالی، اطلاعات شفاف و مقایسه‌پذیر و با کیفیت بالا برای کمک به سرمایه‌گذاران، مشارکت‌کنندگان در بازارهای سرمایه مختلف جهانی و دیگر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، به‌منظور تصمیم‌گیری اقتصادی فراهم می‌آورد» (دی‌جورج، لی و شیواکومار^۳، ۲۰۱۶). البته شایان ذکر است که پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری باکیفیت، لزوماً به گزارشگری مالی باکیفیت منجر نخواهد شد. تنها بخشی از کیفیت گزارشگری مالی با کیفیت حسابداری تعیین می‌شود که آن هم تحت تأثیر مشوق‌های اصلی مدیران و مجریان قواعد حسابداری (شامل حسابرسان، قانون‌گذاران بازارهای مالی و سرمایه) قرار می‌گیرند و انتظار می‌رود در اقتصادهای مختلف، گوناگون باشند (دی‌جورج و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین موانع اصلی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری در سطح جهان، لزوماً تکنیکی نیستند؛ بلکه مسائل فرهنگی، مدل‌های ذهنی، موانع قانونی، نیازها و نفوذ سیاسی نیز از عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شوند.

با حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و در نهایت، پذیرش کامل این استانداردها در داخل کشور به‌عنوان مبنای گزارشگری مالی، انتظار می‌رود اندازه‌گیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی فراگیر شود (گل‌محمدی و رحمانی، ۱۳۹۷، به نقل از بوشمن و لندزمن^۴، ۲۰۱۰). امروزه، استانداردها در گزارشگری مالی مبتنی بر ارزش‌های منصفانه را نسبت به حسابداری مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی، پذیرفته‌اند و دیگر این پرسش که «آیا باید از ارزش‌های منصفانه استفاده کرد یا خیر؟» مطرح نمی‌شود؛ بلکه چگونگی استفاده از آن در کانون توجه قرار گرفته است (بارث^۵، ۲۰۰۶). اما سابقه تجدیدنظر در استاندارد حسابداری شماره ۱۵ با عنوان حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۳۹۳ و آغاز حرکت به سمت اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه که البته با مقاومت ذی‌نفعان و بازگشت مجدد به بهای تمام‌شده تاریخی همراه بود، ممکن است نشان‌دهنده دیدگاه‌های متضاد در زمینه این خاصه اندازه‌گیری، به‌دلیل نبود مشروعیت شناختی و عملی کامل این دیدگاه باشد (جورجیو و جک^۶، ۲۰۱۱).

با عنایت به مقدمه بیان‌شده، هدف پژوهش حاضر، شناسایی محدودیت‌ها یا به بیان دیگر، چالش‌ها و همچنین فرصت‌های ناشی از اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه، در شرایطی است که استانداردهای بین‌المللی به‌عنوان مبنای

1. International Financial Reporting Standards (IFRS)
3. De George, Li & Shivakumar
5. Barth

2. Financial Accounting Standards Board (FASB)
4. Bushman & Landsman
6. Georgiou & Jack

گزارشگری مالی استفاده می‌شود. این پژوهش، در ارتباط با برآورد منافع و پیامدهای چالشی تصویب و تجدیدنظر در برخی استانداردهای حسابداری در داخل کشور که به‌نوعی حرکت به‌سمت استانداردهای حسابداری بین‌المللی است، حائز اهمیت است. چالش‌هایی همچون بازار غیرفعال، سیاست‌های مالیاتی دولت‌ها و تورم، می‌تواند رعایت الزامات استانداردهای حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد و فرصت‌های اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه نظیر، تسهیل جذب منابع مالی و بهبود جایگاه حسابداری به‌عنوان نوعی منبع اطلاعاتی، می‌تواند مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بهبود بخشیده و در نهایت به مفید بودن اطلاعات حسابداری طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، کمک شایانی کند. با توجه به آنچه بیان شد، پرسش‌های اصلی پژوهش به‌صورت ذیل مطرح می‌شوند:

۱. خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی، در رابطه با چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در محیط گزارشگری مالی ایران چه دیدگاهی دارند؟
۲. خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی، در رابطه با فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در محیط گزارشگری مالی ایران چه دیدگاهی دارند؟

مبانی نظری

واژه ارزش منصفانه، بیش از ۵۰ سال است که در ادبیات اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری آمریکا به‌کار می‌رود؛ اما روزه‌روز به تعداد استانداردهایی که مبین این مفهوم‌اند، اضافه می‌شود. همچنین این مفهوم، ابتدا سال ۱۹۸۲ در استانداردهای حسابداری بین‌المللی مطرح و در استاندارد بین‌المللی حسابداری^۱ شماره ۲۰ بدین صورت تعریف شده است: «... مقداری که به ازای آن، بین طرفین آگاه و مایل به انجام معامله، دارایی می‌تواند مبادله شده یا بدهی تصفیه شود». همچنین، ارزش منصفانه با انتشار استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ با عنوان «اندازه‌گیری ارزش منصفانه» بازتعریف شد که چارچوبی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه و راهنمای جامعی برای چگونگی اندازه‌گیری و نحوه افشای آن است. گفتنی است که در مجموعه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از به‌کارگیری ارزش‌های منصفانه آشکارا حمایت می‌شود و استاندارد یادشده، گام مهمی در راستای انتشار رهنمودهای جامع و یکنواخت برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشای اطلاعات مرتبط به‌شمار می‌رود (گل محمدی و رحمانی، ۱۳۹۷).

حال، پس از بیان کوتاهی از پیشینه واژه ارزش منصفانه، به مقوله به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران پرداخته خواهد شد که دارای سه نقطه عطف بزرگ است. نقطه عطف اول، به اواخر دهه هفتاد مربوط است که متولیان امور حسابداری و گزارشگری مالی ایران تصمیم گرفتند از استانداردهای بین‌المللی حسابداری به‌عنوان مبنای اولیه تدوین استانداردهای حسابداری استفاده کنند و با این تصمیم، در عمل استانداردهای حسابداری ایران را به‌سمت همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هدایت کردند. نقطه عطف دوم، به اواخر دهه هشتاد مربوط می‌شود که با توجه به گسترش تحولات جهانی، نهاد استانداردگذار در کشور، فرایند همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را سرعت بخشید و آن را به مرحله پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ارتقا داد. در

واقع تفاوت‌های موجود بین استانداردهای حسابداری ایران و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، باعث می‌شود استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی شرکت‌های ایرانی در عرصه جهانی، درک صحیحی از وضعیت مالی و عملکرد واحدهای تجاری ایرانی نداشته باشند. در نهایت، در سال جاری نیز با تصویب استانداردهای حسابداری جدید و اصلاح برخی از استانداردهای حسابداری، حرکت به سمت استانداردهای حسابداری بین‌المللی سرعت بیشتری گرفته است.

در حال حاضر، به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در سطح صورت‌های مالی تلفیقی (مجموعه) برای تعداد زیادی از واحدهای تجاری در کشور مجاز است. بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۷ مجمع عمومی سالانه سازمان حسابرسی، «کلیه شرکت‌ها و نهادهای مالی ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار و به‌تبع آن، شرکت‌های فرعی و وابسته آنها، در تهیه صورت‌های مالی که از تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۰۱ و بعد از آن شروع می‌شود، مجاز به تهیه صورت‌های مالی «تلفیقی» یا «مجموعه» مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند. در این خصوص، صورت‌های مالی شرکت اصلی (جداگانه) باید مطابق با استانداردهای ایران تهیه و ارائه شود و لزومی به تهیه و ارائه صورت‌های مالی تلفیقی بر اساس استانداردهای حسابداری ایران نیست. بدیهی است که تهیه و ارائه صورت‌های مالی شرکت اصلی (جداگانه) مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به‌عنوان مکمل بلامانع است» (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۲).

علاوه بر مصوبه بیان‌شده، سازمان بورس و اوراق بهادار ایران طی مصوبه‌ای (۱۳۹۵/۰۸/۱۸)، برخی نهادهای مالی و ناشران بزرگ بورسی و فرابورسی را که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ و بعد از آن شروع می‌شود، به تهیه و ارائه یک مجموعه صورت‌های مالی سالانه حسابرسی‌شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ملزم کرده است. با پذیرش مجموعه این استانداردها به‌عنوان مبنای گزارشگری مالی در ایران، اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه و چالش‌ها و فرصت‌های مربوط به آن، موضوعی با اهمیت و جدیدی است که جامعه حسابداری و حتی حسابرسی کشور با آن روبه‌رو خواهد بود. برای مثال، می‌توان به اصلاح موقت استاندارد حسابداری شماره ۱۵ در سال ۱۳۹۳ و الزام به انعکاس سرمایه‌گذاری‌های سریع‌العمل به خالص ارزش فروش در تاریخ ترازنامه اشاره کرد که مبین محوریت ارزش‌های منصفانه در این استاندارد بوده است. البته این استاندارد حسابداری با توجه به چالش‌های مالیاتی حاصله، به شرایط قبل خود (مجاز دانستن اعمال قاعده اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش در خصوص ارزشیابی سرمایه‌گذاری‌ها) بازگشت. اما پیاده‌سازی استانداردهای این‌چنینی که محور آنها ارزش‌های منصفانه است، می‌تواند در محیط گزارشگری مالی ایران بسیار چالش‌برانگیز باشد. به بیان دیگر، حرکت به سمت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، حرکت به سوی ارزش‌های منصفانه است که هم چالش‌برانگیز است و هم به مفید بودن اطلاعات حسابداری و ارقام صورت‌های مالی کمک می‌کند. طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، پیوست استانداردهای حسابداری ایران، مهم‌ترین مزیت ارزش‌های جاری (ارزش‌های منصفانه)، مربوط بودن آن به تصمیم‌های استفاده‌کنندگانی است که خواهان ارزیابی وضعیت جاری یا عملکرد اخیر واحد تجاری هستند. ترازنامه‌ای که در آن دارایی‌ها و بدهی‌ها به ارزش‌های جاری ارائه شده است، در مقایسه با ترازنامه‌ای که چنین عناصری را به بهای تمام‌شده تاریخی ارائه کند، وضعیت مالی واحد تجاری را بهتر نشان می‌دهد. صورت سود و زیان و صورت سود و زیان جامع تهیه شده بر مبنای ارزش جاری، در مقایسه با

صورت‌های مشابه تهیه شده بر مبنای بهای تمام‌شده تاریخی، از دو جهت عملکرد جاری واحد تجاری را بهتر اندازه‌گیری می‌کند. اول اینکه این صورت‌های عملکرد مالی، تنها به گزارش درآمدهای تحقق یافته نمی‌پردازد؛ بلکه سودها و درآمدهایی را گزارش می‌کند که در دوره جاری ایجاد شده است. دوم اینکه این صورت‌ها، از طریق تفکیک سودهای حاصل از عملیات جاری از درآمدهای ناشی از تغییرات در ارزش دارایی‌های نگهداری شده توسط واحد تجاری، تحلیل کامل‌تری از سود گزارش شده، به دست می‌دهد.

همچنین از معایب اصلی ارزش جاری (ارزش‌های منصفانه) طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ذهنی بودن بیشتر و اتکاپذیری کمتر آن در مقایسه با بهای تمام‌شده تاریخی است. این موضوع، به‌ویژه برای دارایی‌هایی صدق می‌کند که در بازارهای فعال به‌طور منظم معامله نمی‌شوند. معزها، با توسعه بازارهای مربوط به انواع دارایی‌ها، انتظار می‌رود عینی‌بودن و اتکاپذیر بودن ارزش‌های جاری بهبود یابد و از هزینه استفاده از ارزش‌های جاری کاسته شود. همچنین، یکی از مشکل‌های موجود در رابطه با کاربرد ارزش‌های جاری، ناآشنایی تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی با این ارزش‌هاست که دست کم در حال حاضر، ممکن است هزینه تهیه و استفاده از اطلاعات حسابداری را افزایش دهد. با این حال، ارزش‌های جاری در برخی از جنبه‌های اندازه‌گیری در حسابداری، طی سال‌های اخیر کاربرد بیشتری یافته است و احتمال می‌رود که ناآشنایی تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان دائمی نباشد و به تدریج از میزان آن کاسته شود (مفاهیم نظری گزارشگری مالی). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به‌کارگیری ارزش‌های منصفانه مزایا و معایبی دارد که در ادبیات نظری حسابداری نیز به آنها اشاره شده است.

به‌کارگیری ارزش منصفانه، موافقان و مخالفانی دارد که به‌صورت مختصر به بیان این دو دیدگاه پرداخته خواهد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش بارث و لندزمن^۱ (۱۹۹۵)، ارزش منصفانه مطابق با اهداف گزارشگری مالی است؛ زیرا اولاً، اطلاعات سودمندی در تصمیم‌های مربوط و اتکاپذیر فراهم می‌کند. ثانیاً، بر جریان منافع اقتصادی ورودی و خروجی در تعریف دارایی متمرکز است. ثالثاً، ارزیابی جاری ارزش زمانی پول و ریسک را خلاصه می‌کند و در نهایت، از آنجا که اقلام از منظر ارزش‌های بازار بیان می‌شوند، ارزش منصفانه دیدگاه بدون سوییچ از دارایی‌ها و بدهی‌ها را در تاریخ گزارشگری ارائه می‌دهد.

دی‌جورج و همکارانش (۲۰۱۶) بیان کردند که چون ارزش‌های منعکس در صورت‌های مالی، حاصل اظهارنظر تعداد زیادی از فعالان بازار است، مدیریت روی آن تأثیر نمی‌گذارد، در نتیجه اندازه‌گیری درست و بدون سوییچ از سود ایجاد خواهد شد. همچنین، ارزش منصفانه با اطلاعات به‌موقع، ممکن است باعث تغییر تصمیم سرمایه‌گذاری و قرض دادن یا وارد شدن در مبادله با واحد گزارشگر شود. به هر حال، اندازه‌گیری ارزش منصفانه به بهبود کیفیت اطلاعات منجر می‌شود.

در عین حال، همه پژوهشگران بر سودمندی ارزش‌های منصفانه تأکید نمی‌کنند. برای نمونه، بنستون^۲ (۲۰۰۵) معتقد است که پیاده‌سازی ارزش‌های بازار، در عمل با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد یا رونن^۳ (۲۰۰۸) بیان می‌کند

1. Barth & Landsman
2. Benston
3. Ronen

که ارزش‌های منصفانه، مبنای استواری برای پیش‌بینی جریان نقدی آتی نیست و از آنجا که ارزش‌های منصفانه بر برآوردهای ذهنی مبتنی است، از قابلیت اتکای اطلاعات می‌کاهد و بر ریسک اخلاقی مدیریت دامن می‌زند. البوت و البوت^۱ (۲۰۰۹) نیز پس از بررسی دقت ارزش منصفانه، بیان کردند که به دلیل احتساب سود و زیان‌های تحقق‌نیافته در سود خالص، ارزش منصفانه دقت کافی ندارد و زمینه را برای دستکاری ارقام فراهم می‌آورد. لندزمن^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی بیان کرد که درجه آگاهی‌دهندگی ارزش‌های منصفانه از طریق افشا یا شناخت، تحت تأثیر خطای اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. بنابراین، همان‌طور که پیداست، ارزش منصفانه همانند شمشیر دولبه‌ای است که فرصت‌های متعددی فراهم می‌کند، اما چالش‌هایی وجود دارد که این فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌کند. در این رابطه، لازم است که احتیاط و بررسی‌های لازم صورت گیرد و پیش از پیاده‌سازی آن، تدابیر خاصی با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اتخاذ شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، تعیین چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه، از دیدگاه خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی است.

پیشینه تجربی پژوهش

در پژوهش‌های داخلی صورت‌گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، حاجی کرمانی، معین‌الدین و حیرانی (۱۳۹۶) ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را بین دو گروه شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده کرده‌اند و شرکت‌هایی که نظام بهای تمام‌شده را به کار برده‌اند، مقایسه نمود. قلمرو زمانی این پژوهش سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ است که در میان ۹۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده بورس و اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی و ارتباط ارزشی هم‌زمان سود هر سهم عادی و ارزش دفتری، در شرکت‌هایی که ارزش منصفانه را به کار برده‌اند، بیشتر از شرکت‌هایی است که از نظام بهای تمام شده استفاده کرده‌اند.

کرمی و بیک‌بشروی (۱۳۹۶) با استفاده از روش پژوهش تئوری داده‌بنیاد، مدلی شامل شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها برای پیاده‌سازی ارزش منصفانه با تأکید بر بخش اندازه‌گیری در ایران ارائه کردند. نتایج این پژوهش، نیازهای تأمین مالی و ارتباطات بین‌المللی و بخش‌نامه‌های مربوط به عنوان شرایط علی پیاده‌سازی را شناسایی کرده است. راهبردهای مهمی که صاحب‌نظران طبق این پژوهش برای پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در حوزه اندازه‌گیری مطرح کرده‌اند، عبارت‌اند از: اصلاح ساختار ارزشیابی، ایجاد رویه‌های ارزشیابی واحد، تعریف ارزشیابی طبق قانون بازار اوراق بهادار، پیوستن به نهادهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری بین‌المللی (مانند شورای استانداردهای ارزش‌گذاری بین‌المللی)، اصلاح ساختار واحدهای ارزش‌گذار فعلی داخل کشور، رتبه‌بندی ارزشیابان مستقل و ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص قیمت‌ها در سطح ملی. راهبردهای مهم مطرح‌شده در این پژوهش، برای پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در حوزه اندازه‌گیری، عبارت‌اند از: اصلاح ساختار ارزشیابی، ایجاد رویه‌های ارزشیابی واحد، تعریف ارزشیابی طبق قانون بازار اوراق بهادار، پیوستن به نهادهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری بین‌المللی (مانند شورای استانداردهای ارزش‌گذاری بین‌المللی)، اصلاح ساختار واحدهای ارزش‌گذار فعلی داخل کشور، رتبه‌بندی ارزشیابان مستقل و ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص

قیمت‌ها در سطح ملی. همچنین، نبود بازارهای منسجم و فعال و نوسان‌های اقتصادی و وجود پدیده ترس از بازار و اتکای پایین قیمت‌ها در بازارهایی مانند فرابورس ایران، از شرایط مداخله‌گر بسیار مهم در زمینه اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه است.

نتایج پژوهش مقدسی، حجازی، اکبری و دهقان دهنوی (۱۳۹۶) مبین آن است که زیان اعتباری بانک‌ها، طبق رویکرد سه مرحله‌ای استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۹ در مقایسه با رویکرد فعلی طبق بخش‌نامه بانک مرکزی، موجب می‌شود ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول افزایش و در نتیجه سود و نسبت کفایت سرمایه بانک کاهش یابد. طاهری و رحمانی (۱۳۹۶) نشان دادند که در شبکه بانکی ایران، بهای تمام شده تسهیلات زیان اعتباری بانک‌ها را در مقایسه با ارزش منصفانه، بهتر پیش‌بینی می‌کند.

در پژوهش‌های صورت‌گرفته در خارج از کشور نیز می‌توان به پژوهش رامانا^۱ (۲۰۱۳) اشاره کرد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که انگیزه‌های افراد مشغول در حوزه خدمات مالی، به‌منظور حمایت از ارزش‌های منصفانه، بسیار متنوع است. حمایت‌های مذکور، مبین فرصت‌هایی است که در راستای پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه ایجاد خواهد شد. در این پژوهش بیان شده است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری به استفاده از ارزش‌های منصفانه در کسب‌وکار خود عادت کرده‌اند تا از طریق آن بتوانند ترازنامه‌های خاص مدیریت با هدف مدیریت ریسک تهیه کنند و این روش به عملکرد آنها در قالب استانداردهای گزارشگری مالی عمومی شکل می‌دهد. همچنین سود در اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری، بیشتر بر مبنای ارزش منصفانه تعریف شده است تا بهای تمام شده تاریخی و این امر می‌تواند به شناسایی سود، به‌ویژه در زمان افزایش قیمت دارایی‌ها، سرعت ببخشد. همچنین، او یکی از دلایل ظهور حسابداری ارزش منصفانه در حسابداری مالی را کارایی بازارهای سرمایه می‌داند و استفاده از حسابداری ارزش منصفانه را با افزایش وزن «مربوط بودن» اطلاعات مالی و حسابداری، توجیه می‌کند.

همچنین پژوهش‌هایی نیز به بررسی عوامل زمینه‌ساز مقاومت در برابر پذیرش و استفاده از ارزش‌های منصفانه پرداخته‌اند. برای مثال، پانديا^۲ (۲۰۱۶) به بررسی منطق مقاومت در برابر حسابداری مبتنی بر ارزش منصفانه شامل انگیزه‌ها و سازوکارهای مقاومت پرداخته است. نتایج پژوهش مبین آن است که هرگاه حسابداری ارزش منصفانه به‌صورت دستور برای تهیه صورت‌های مالی به‌کار گرفته شود، پذیرش و رعایت آن ظاهری و صوری خواهد بود.

در پژوهش سوئیت، پتل و مارون^۳ (۲۰۱۸) نیز، ضرورت افشای اطلاعات بیشتر، آموزش افراد درگیر در فرایند گزارشگری مالی، تأثیر پذیرش استاندارد جدید بر سود حسابداری، تصمیم‌های اتخاذ شده از سود رقبا در زمینه پذیرش و رعایت استانداردهای جدید، از عوامل به تعویق افتادن استفاده از ارزش‌های منصفانه شناخته شده است.

علاوه‌بر پژوهش‌های اشاره شده در بالا، پژوهش‌هایی نیز در زمینه پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، نظیر ایران نیز صورت گرفته است و با عنایت به اینکه ایران کشوری با اقتصاد در حال توسعه است، مباحثه در این خصوص می‌تواند سودمند باشد. برای نمونه، نتایج پژوهش هورتون، سرافیم و سرافیم^۴ (۲۰۱۳) مبین

1. Ramanna
3. Swait, Patel & Maroun

2. Pandya
4. Horton, Serafeim & Serafeim

افزایش دقت در پیش‌بینی سود هر سهم و بهبود قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با بررسی پذیرش استانداردهای بین‌المللی توسط کشورهای در حال توسعه است. شواهد دیگری را نیز اسماعیل^۱ (۲۰۱۳) ارائه کرده است که نشان‌دهنده سودمندی پذیرش استانداردهای بین‌المللی و اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه است. وی بیان می‌کند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی، به افزایش کیفیت سود (مدیریت سود کمتر و افزایش ارتباط ارزشی) در شرکت‌های مالزیایی منجر شده است. بووا و پیرا^۲ (۲۰۱۲) به افزایش شفافیت اطلاعات در پی پذیرش استانداردهای بین‌المللی، در کنیا اشاره می‌کند.

از طرفی، پیاده‌سازی دستوری این استانداردها می‌تواند ریسک‌هایی نیز برای کشورهای در حال توسعه داشته باشد. برای مثال، خلیف و اچک^۳ (۲۰۱۶) بیان کردند که اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی، علاوه بر هزینه زیاد تهیه اطلاعات، می‌تواند به هزینه حسابرسی بیشتر نیز منجر شود. همچنین، فقدان نیروی متخصص در کشورهای در حال توسعه نیز می‌تواند محدودیت و چالش دیگری باشد. برای مثال، مطابق با یافته‌های پژوهش اسنسو اکوفو، علی و احمد^۴ (۲۰۱۱) در غنا، به ۸۰۰۰ نیروی متخصص برای پذیرش IFRS نیاز بوده، در حالی که تنها ۳۰۰۰ نیروی آموزش‌دیده در کشور حضور داشته‌اند. در ترکیه نیز به دلیل ناتوانی در رعایت الزامات استانداردهای بین‌المللی در سال اول پذیرش (۲۰۰۵)، حدود ۸۰ درصد از الزامات اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه کنار گذاشته شده است (میسیرلی اوغلو، توکر و یوکسلتورک^۵، ۲۰۱۳). در بنگلادش نیز به سبب بی‌کفایتی در آموزش نیروی متخصص، رعایت الزامات استانداردهای بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ با محدودیت مواجه بوده است (نورونابی^۶، ۲۰۱۵). با توجه به چالش‌هایی که برای اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه در راستای به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه بیان شد، انتظار می‌رود پیاده‌سازی این استانداردها نیز در ایران با محدودیت‌هایی نظیر محدودیت‌های یادشده همراه باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع کیفی است. بخش عمده تحلیل در پژوهش کیفی، تفسیری است (استراوس و کوربین به نقل از افشار، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر، مستلزم اجرای طرح پژوهشی چندمرحله‌ای است که طی گام‌های زیر انجام شده است:

- الف) به‌منظور هدایت پژوهشگران به گام‌های بعدی، متن‌هایی مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب و استخراج شد.
- ب) پژوهشگران بنا بر شناخت خود از افراد متخصص در حیطه موضوع پژوهش، مشارکت‌کنندگان را از میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی، اعضای جامعه حسابداران رسمی و فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دکتری حسابداری، به روش قضاوتی یا هدفمند انتخاب کردند تا با آنها مصاحبه اکتشافی (با ساختاری آزاد) به عمل آورند.
- ج) پژوهشگران مصاحبه‌های اصلی را آغاز کردند. شایان ذکر است که روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر،

1. Ismail

3. Khlif & Achek

5. Misirlioglu, Tucker & Yukselturk

2. Bova & Pereira

4. Assenso-Okofu, Ali & Ahmed

6. Nurrnabi

مصاحبه بوده است. از آنجا که در پژوهش‌های کیفی، فرایند گردآوری و تفسیر داده‌ها، فرایند دینامیک (پویا) است، در دوره برگزاری مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها (بر اساس کدگذاری آنها و مقایسه داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های مختلف)، به‌طور هم‌زمان انجام گرفت. پس از پیاده‌سازی متن‌های تکمیل‌شده و فرایند کدگذاری، داده‌ها کاملاً شدند و در نهایت بر اساس تحلیل تم، مدلی برای محصول کیفی فرایند پژوهش تدوین و ارائه شد.

تحلیل تم

تحلیل تم یکی از رایج‌ترین رویکردها برای تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی به شمار می‌رود (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌های) موجود درون داده‌هاست. این روش داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند؛ اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. تحلیل تم زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر الگوهای معنای و موضوع‌هایی که برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش مناسب بوده را مد نظر قرار دهد. البته در تحلیل تم، راه منحصربه‌فردی برای شروع مطالعه وجود ندارد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). اینکه چه چیزی در پژوهش تم به حساب می‌آید، به قضاوت پژوهشگر بستگی دارد. همچنین کلیدی بودن یک تم، الزاماً وابسته به ملاک‌های کمی (مثل تعداد دفعات تکرار) نیست. در این پژوهش کدگذاری بر اساس حروف انگلیسی و اعداد، به شرح زیر انجام شده است:

- برای مصاحبه‌های اکتشافی، علامت اختصاری EI و شماره‌های ۰۱ تا ۰۲ اختصاص داده شده است.
- برای مصاحبه‌های اصلی، علامت اختصاری MI و شماره‌های ۰۱ تا ۱۲ اختصاص داده شده است.
- برای کدهای موجود در هر واحد تحلیل، اعدادی از ۱۰ تا ۷۶ در نظر گرفته شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی در رشته حسابداری، اعضای جامعه حسابداران رسمی و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری این دانشگاه‌ها در رشته حسابداری تشکیل شده است. نمونه پژوهش نیز با توجه به گام‌های زیر انتخاب شده است:

الف) در مرحله اول به کمک روش نمونه‌گیری نظری و با هدف دستیابی به مجموعه اطلاعات جامع و غنی، با چند صاحب‌نظر مصاحبه اکتشافی انجام شد.

ب) در مرحله دوم و به‌منظور انجام مصاحبه‌های اصلی، نمونه شامل افرادی از جامعه بود که بر اساس روش گلوله برفی به پژوهشگران معرفی شدند. در روش نمونه‌گیری گلوله برفی، مصاحبه‌کننده به پیشنهاد مصاحبه‌شوندگان، برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). این قاعده تا زمان اشباع نظری ادامه دارد. در این پژوهش، بر اساس قاعده اشباع نظری، یعنی زمانی که تم یا داده جدیدی به دست نیاید و مناسبات مربوط، به‌خوبی مشخص باشند، ۱۴ مصاحبه انجام شد.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل بر اساس روش تحلیل تم

در جدول‌های ۱ و ۲، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل تم، همراه با دسته‌های تم‌ها و همچنین ذکر کدهای مربوطه درج شده است. در ادامه توضیح هر تم ارائه شده است.

جدول ۱. چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
MI0812, MI0810, IE0210, IE0211, MI0113, MI0324, MI0824, MI0624, MI1024, MI0524, MI1124	-	تورم	محیط اقتصادی
MI0314, MI0614, EI0114, MI0114, MI0925, EI0125, MI1125, MI0225	-	عدم اطمینان	
MI1015, MI0615, MI1115, MI0315, MI0715, MI0815, MI0515, MI0215, MI0415	موضع فعلی نسبت به مالیات	مالیات	
MI0919, MI0119, MI0519, MI0819, MI1119	آثار قوانین مالیاتی کنونی		
MI0616, MI1116, MI0316, MI0816, MI0516, MI0216, EI0116, MI0416, MI1216, MI0916, MI0116, EI0216, MI1016, MI1017, MI0617, MI1117, MI0517, MI0817, MI0318, MI0818, MI0918	توافق با سازمان امور مالیاتی		
MI0920, EI0120, MI1120, MI0220, MI0420, MI1220, MI0320, EI0121, MI0421, MI1121, EI0122, MI1122, MI0622, MI0422, MI0519, MI0119, MI0419, MI0219, MI0555, MI0356	-	اقتصاد بانک محور	
MI1055, MI1014, MI0824, MI0324, MI0624, MI0926, MI0326, MI1027, MI0827, MI1227, MI0327, MI0627, MI1056	-	اقتصاد دستوری (دولتی)	
MI0826, MI0626, MI0426, MI0828, MI0618, MI1128, MI0928, MI0528, MI0829, MI0929, MI0629, MI0129, MI1229, EI0129, MI0329, MI1030, MI1130, MI0530, MI0630, MI0430, EI0230, MI0331, EI0231, MI1031, MI0631, MI0131, MI0926, MI1132, MI0532, MI0833, MI0533, MI0133, MI0433, EI0233	-	آموزش دهنده	آموزش
MI1034, MI1234, MI0234	-	هزینه آموزش	
MI0422, MI1027, MI0427, MI0227, MI0627, EI0127, MI0835, MI0335, MI1135, MI0735, MI0622, MI0827	-	بازارها	ورودی‌های اندازه‌گیری
MI0833, MI0737, MI0836, MI0537, MI0538, EI0237, MI0936, MI0937, MI0437, MI1137, MI1136	دانش ارزیابی	ارزش کارشناسی	
MI0538, MI0340, MI1139, MI0540, MI0839, MI0840	تخصصی‌سازی		
MI0724, MI0241, MI0543, MI1143, MI0843, EI0141, MI0441, MI0442, MI0342, MI0341, MI0742	اخلاق حرفه‌ای		
MI1044, MI0544, MI0542, MI1144, EI0244, MI0545, MI0445, MI0446, MI0345, MI0346, MI0945, MI0746, MI1245, MI0846, MI0745	ساختار نظارتی		
MI1047, MI0247, MI0947, MI0847, MI1122, MI0622, MI1022	-	ابزارهای اندازه‌گیری	

ادامه جدول ۱

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
MI0148, MI0348, EI0249, MI0449, MI0849, MI1149, MI0448, MI0949, MI0748	-	دانش حسابرسی ارزش‌های منصفانه	حسابرسی ارزش‌های منصفانه
MI1251, MI0750, MI0450, MI0550, EI0150	-	اخلاق حرفه‌ای	
MI1052, MI0750, MI0448, MI0553, MI0538, MI0848, MI0853, MI0838, MI0948, MI0952, EI0138, EI0148, MI0348, EI0250	-	افزایش مسئولیت	
MI1052, MI0654, EI0250, MI0854, MI1154, MI0754	-	مقاومت در برابر تغییر	مقاومت
EI0256, EI0219, MI0419, MI1024, MI0519, EI0119	-	مقاومت به‌علت تأثیر در انتقال ثروت	

جدول ۲. فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
MI1057, MI1157, MI0857, MI0957, MI0357, MI1257, MI0557, EI0258, EI0158, MI0458, EI0259, MI0959, MI1260, MI0861, MI1062, EI0162, EI0263, MI0964, MI0965	-	منبع اطلاعاتی	صحت اطلاعات حسابداری
MI1011, MI1074, MI0266, MI0768, MI0764, MI0768, EI0266, EI0267, EI0257, EI0211, MI0357, MI0557, MI0564, MI0464, MI0957, EI0274, EI0263, EI0264	-	تخصیص منابع	شفافیت
MI1070, MI1069, MI0469, MI0470, MI1171	-	توسعه دانش	همسان‌سازی
MI0223, MI0272, MI0276, MI0723, MI0771, MI0776, MI0823, MI0873, EI0160, EI0123, MI0175, MI0176, EI0223, MI0557, MI0564, MI0576, MI1260, MI1211	جذب منابع بین‌المللی	مقایسه‌پذیری و یکسان‌سازی بین‌المللی	
MI0464, MI0175, MI0176, MI0223, MI0272, MI0776, MI0775, MI0760, MI1175, MI1176, MI1160, MI1173, MI0873, EI0160	تسهیل فعالیت‌های بین‌المللی		

چالش‌ها

تم اصلی اول، محیط سیاسی و اقتصادی ایران

این تم خود از پنج تم فرعی «تورم»، «عدم اطمینان»، «مالیات»، «اقتصاد بانک‌محور» و «اقتصاد دولتی» تشکیل شده است. همان‌طور که دی‌جورج و همکارانش (۲۰۱۶) بیان کرده‌اند، موانع اصلی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح بین‌المللی، لزوماً تکنیکی نیستند؛ بلکه مسائل فرهنگی، مدل‌های ذهنی، موانع قانونی و نفوذ سیاسی نیز از عوامل تأثیرگذار است. ایران دارای محیط‌های سیاسی و اقتصادی خاص خود است و از متوسطی که در استانداردهای بین‌المللی در نظر گرفته شده، فاصله دارد. برای مثال، تورم و نوسان نرخ ارز و ناپایداری‌های اقتصادی و

سیاسی گزارشگری ارزش‌های منصفانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه تم‌های فرعی این تم ارائه خواهد شد. **تورم:** تورم که مترادف افزایش مداوم قیمت‌هاست، جزئی از اقتصاد ایران شده است. اغلب مصاحبه‌شوندگان به تورم اشاره کردند و معتقد بودند، تورم دائمی موجود، ارزش‌های منصفانه را نامربوط می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که به‌منظور سودمندبودن آن باید به‌صورت لحظه‌ای به گزارشگری ارزش‌ها پرداخت.

«ارزش منصفانه به‌خاطر تورمی که داریم و دوباره شتاب پیدا می‌کند، موضوع مهمی است.» (MI10)

«حتی نهادی مانند IFRS نمی‌تواند این مسئله را بفهمد که مثلاً در عرض یک هفته قیمت کالاها ۴ برابر یا ۳ برابر شود ... سرعت تغییرات در قیمت‌ها هم به‌دلیل تغییرات در سطح عمومی قیمت‌ها بالاتر از تمام نقاط دنیاست.» (MI09)

«... اصلی‌ترین مشکلی که ما داریم ... فاصله بین بهای تمام‌شده تاریخی و ارزش منصفانه است، به‌دلیل تورم زیادی که داریم و در دوره‌های مختلف وجود داشته و رسماً بانک مرکزی تورم ۵۰ درصد را نیز اعلام کرده است.» (MI08)

«با وضعیت تورم فعلی، حتی اگر کارشناس به‌درستی اندازه‌گیری را انجام دهد باز هم به‌علت تغییر قیمت‌ها گزارش امروز آنها با دو روز دیگر متفاوت خواهد شد، پس دیگر مربوط نیست.» (MI12)

عدم اطمینان محیط اقتصادی: برای افزایش سودمندی در تصمیم‌صورت‌های مالی، دو رویکرد اطلاعاتی و اندازه‌گیری در ادبیات حسابداری مطرح شده است. رویکرد اندازه‌گیری، حرکت حسابداری به‌سمت ارزش‌های منصفانه در صورت‌های مالی است. هرچند عدم اطمینان جزء لاینفک هر محیط اقتصادی است، موقعیت خاص ایران این عدم اطمینان را در کشور بیشتر کرده است. به‌صورت کلی، به‌دلایل سیاسی و تحریم‌های اقتصادی، آینده نزدیک هم به‌راحتی پیش‌بینی‌پذیر نیست و داده‌های همه سطوح را پرنوسان و اتکاناپذیر می‌سازد که سودمندی این رویکرد را از بین می‌برد. نمونه‌هایی از نظرها به شرح زیر است:

«از موارد مهم که باید در نظر داشت، عدم پیش‌بینی‌پذیری آینده است. شب خوابیدیم صبح پا میشیم مبینیم قیمت‌ها تغییر کرده. ... چون همه در شرایط عدم اطمینان زندگی می‌کنیم.» (MI03)

«ناپایداری‌های شدیدی را که در اقتصاد وجود دارد، نمی‌توان با بقیه دنیا یکی دانست.» (MI06)

«ابهامات خیلی اساسی است. در ایران نوسانات زیاد و فضای سیاسی اقتصادی وحشتناک شدید تغییر می‌کند ریسک را خیلی بالا می‌برد.» (MI01)

مالیات: تم فرعی سوم مالیات است و کدهای حاصل از این تم در قالب سه طبقه مفهومی «موضع فعلی نسبت به مالیات»، «آثار قوانین مالیاتی کنونی» و «توافق با سازمان امور مالیاتی» دسته‌بندی شده‌اند. مشوق‌های اجرا و گزارشگری استانداردهای حسابداری، تحت تأثیر تصمیم‌های دولت برای تبدیل اعداد حسابداری به سیاست‌های مالیاتی هستند (دی‌جورج و همکاران، ۲۰۱۶). اندازه‌گیری بر اساس ارزش‌های منصفانه، سودهای تحقق‌نیافته را شناسایی می‌کند و با عنایت به قوانین مالیاتی، شرکت‌ها باید مالیات‌های سنگینی پرداخت کنند. به‌گفته مصاحبه‌شوندگان، این تجربه در استاندارد حسابداری شماره ۱۵ ایران نیز وجود داشته است و این استاندارد استفاده از روش خالص ارزش فروش برای

سرمایه‌گذاری‌های سریع‌العمله و شناسایی سود یا زیان و افزایش یا کاهش ارزش نگهداشت آن سرمایه‌گذاری‌ها را در پایان هر سال، به‌رغم عدم فروش الزامی می‌کرد. خبرگان معتقد بودند در حال حاضر ابر چالش اصلی قوانین مالیاتی است و تا این موضوع حل و فصل نشود، نباید استانداردهای بین‌المللی را پیاده‌سازی کرد.

«هرجا که سود شناسایی شود یا احتمال آن باشد، پای مالیات وسط می‌آید. ناهماهنگی قوانین مالیاتی در زمینه ارزش‌های منصفانه و تعدیل تورم، مثل تجدید ارزیابی می‌تواند مانع باشد...» (MI10)

«... قبل آن ما این تجربه را سر استاندارد ۱۵ داشتیم، تجدید نظر شد و به نسخه قبلی برگشتند تا مشکل مالیاتی آن برطرف شود، چه برسد به ارزش‌های منصفانه که IFRS تمام و کمال دنبالش است...» (MI06)

«بحث مالیاتی باید توسط سازمان حسابرسی حل شود، در سطح کلان باید بررسی شود. اگر قرار شد فردا دارایی مالی را به ارزش منصفانه گزارش کنیم، سازمان مالیاتی چه رویکردی می‌خواهد اتخاذ کند؟ آیا همه تغییرات ارزش را بلافاصله مشمول مالیات می‌داند یا زمان فروش؟ این‌ها اگر حل نشود مطمئن باشید پیاده‌سازی هم نمی‌شود.» (MI03)

اقتصاد بانک‌محور: بخش عمده‌ای از مسئولیت تأمین مالی سرمایه ثابت و سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی کشور برعهده بانک‌هاست. اگر بانک‌ها عناصر صورت‌های مالی را درست اندازه‌گیری نکنند، گزارش‌های مالی بانک هم دچار نقصان می‌شود و این موضوع بر ارزش بازار شرکت‌ها و تغییر ثروت در سطح جامعه اثر خواهد گذاشت. در این پژوهش در تمام مصاحبه‌ها به چالش بانک‌ها در اندازه‌گیری عناصر صورت‌های مالی اشاره شد. نمونه‌ای از نظرها به شرح زیر است:

«بدون تعارف در بازار ایران همه چیز بانک‌محور است و صنعت بانک‌ها مشکل بیشتری دارند؛ چون هم دارایی ثابت دارند و هم دارایی مالی.» (MI09)

«فکر می‌کنم چالش برانگیزترین حوزه ارزش منصفانه در حوزه بانکی است در بانک شما با یک دارایی مالی طرف هستی به نام تسهیلات، بدهی مالی طرف هستی که ابزار مالی هم هست به اسم سپرده‌های پرداختنی هر دو این‌ها ارزش منصفانه می‌خواهد...» (MI11)

«ارزش منصفانه بیشترین آسیب را به بانک‌ها می‌زند، قیمت‌گذاری وام و سپرده و ذخایر بانک‌ها را نابود می‌کند.» (MI02)

اقتصاد دستوری (دولتی): در سیستم اقتصاد دستوری، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تولید، به‌عنوان جزئی از برنامه تولیدی یکپارچه، توسط سیستم سیاسی حاکم یا سایر سازمان‌های بدنه سیاسی که کنترل عوامل تولید را برعهده دارند، گرفته می‌شود. اساس این سیستم، بر نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی بنا شده و قیمت‌ها به‌صورت دستوری تعیین می‌شود (ولک، داد و روزیچکی^۱، ۲۰۱۳). در مصاحبه‌های انجام‌شده توافق نظر خبرگان بر این است که استانداردهای بین‌المللی برای کشورهای با بازارهای رقابتی و آزاد تدوین شده است و این استانداردها در محیط کشور ما که دارای اقتصاد دولتی است و بازار فعالی وجود ندارد، درگیر قیمت‌گذاری دستوری خواهد شد.

«بزرگ‌ترین مانعی که داریم در ایران ارزش‌های منصفانه را پیاده کنیم، دولتی بودن اقتصاد ما می‌باشد. یعنی

وقتی که دولت در واقع خودش در کسب‌وکار در شرکت‌ها صاحب مالکیت هست، حاضر نیست که اجازه دهد گزارش‌های ما واقعی شود...» (MI10)

«آن کشورها هم [کشورهایی که در آنان IFRS پیاده‌سازی شده است] بدون تعارف آن شرایط خاص ایران را ندارند و این ساختارهای نادرست اقتصادی را ندارند...» (MI09)

«حسابداری فعلی زابیده سرمایه‌داری است، انگار یک لباسی است که قشنگ مناسب سرمایه‌داری است. حالا آن را آوردیم و تن ایران کنیم که اقتصاد آن دولتی است که در انتها به سود منتج می‌شود، سود برای چه کسی است برای سهام‌دار یا سرمایه‌دار؟ ما سرمایه‌دار واقعا نداریم...» (MI08)

«اقتصاد کاملاً دولتی است نه مبتنی بر بازار. اگر بازارهای رقابتی، واگذار شده و به بخش خصوصی داشته باشیم بحث اینکه چه کسی باید اندازه‌گیری کند پیش نمی‌آید...» (MI06)

تم اصلی دوم: آموزش

این تم از دو تم فرعی «آموزش‌دهنده» و «هزینه آموزش» تشکیل می‌شود که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

آموزش‌دهنده: اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری به ساختار نهادهای مختلفی مانند مدیران و مجریان یا حسابرسان، سیستم قانونی و دادگاهی، قانون‌گذاران حسابداری، ساختار مالکیت، سیاست‌مداران، حقوق‌دانان، تحلیلگران، نمایندگی‌های رتبه‌بندی، مقامات حسابداری و مالیاتی، ساختار راهبری شرکتی، نهادهای آموزشی و بازارهای مالی نیاز دارد (بال^۱، ۲۰۰۶). اعتقاد اغلب خبرگان این است که آموزش عمومی استانداردها که کمابیش دشواری خاصی ندارد، توسط مدرسان داخلی صورت گیرد، ولی برای عملیاتی کردن اندازه‌گیری در شرکت‌ها، بهتر است از ترکیب افراد خبره داخلی و مشاوره خارجی استفاده شود؛ زیرا افراد داخلی با محیط اقتصادی کشور آشنایی بیشتری دارند و افراد حرفه‌ای بین‌المللی از قبل این مشکلات عملیاتی را پشت سر گذاشته و در زمینه اندازه‌گیری دانش بیشتری دارند. مختصری از نظرها به شرح زیر است:

«اگر از خارجی‌ها [به منظور آموزش] استفاده شود، قطعاً بهتر است. آنها آزمون خطا کرده‌اند میان برها را بلدند...» (MI08)

«یک سری آدم‌های استثنا خوب آموزش می‌دهند، شاید یک نفر، آموزش‌دهنده خوبی ما الان نداریم... به نظر من باید نسبی نگاه کرد. در یک سری موضوعات خاص آموزش دهنده خارجی بیاید بهتر است...» (MI11)

«کلاس‌های آموزشی که برگزار می‌شود کیفیت آن چنانی ندارد... از نهادهای بین‌المللی که در این زمینه کار می‌کنند، کمک بگیریم... راهکار اول در همه این‌ها آموزش است...» (MI01)

«ما باید مدرسینی داشته باشیم که آموزش دیده باشند. من خیلی اینکه بخواهم بگویم اصراری بر مدرس خارجی باشد شخصاً ندارم، لزوماً برحسب تجربه می‌گویم، ما مدرسین داخلی خوب هم خیلی داریم...» (MI04)

هزینه آموزش: برخی از مشارکت‌کنندگان، به دلیل هزینه‌بر بودن آموزش، این موضوع را یکی از چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه می‌دانند. گزیده‌ای از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان در خصوص تم فرعی دوم به شرح زیر است:

«کلاً آموزش هزینه دارد، کسی مایل به پذیرش این هزینه‌ها نیست». (MI02)

«هیچ وقت برای آموزش، بودجه کنار گذاشته نشده، انگار اهمیتی ندارد در صورتی که مهم‌ترین قسمت کار است». (MI05)

تم اصلی سوم: ورودی‌های اندازه‌گیری

این تم از سه تم فرعی «بازارها»، «ارزش کارشناسی» و «بازارهای اندازه‌گیری» تشکیل شده است. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، شاید تنها بورس و اوراق بهادار را بتوان بازاری فعال در نظر گرفت که البته به آن هم شبهه‌هایی وارد است؛ اما در سایر موارد بازار فعال و اتکاپذیری وجود ندارد. در ادامه تم‌های فرعی تشریح می‌شود.

بازارها: طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، تنها بازاری که می‌توان آن هم با شک و تردید فعال دانست، بازار بورس و اوراق بهادار است. برای سایر دارایی‌ها باید به ورودی‌های سطح بعدی و ارزش‌های کارشناسی اتکا کرد. با وجود این اعتقاد بر این است که این حالت از حالت بهای تمام شده تاریخی فعلی بهتر است و می‌توان با در نظر گرفتن دامنه تغییرات از آنها استفاده کرد.

«در خیلی از موارد بازار فعال نداریم که بخواهد مبنای قیمت‌گذاری باشد ... حالا در دارایی‌ها هم ممکن است بعضی دارایی‌ها بشود با قابلیت اتکای بالا ارزش منصفانه‌اش را حساب کنیم، بعضی دیگر را خیر». (MI04)

«بازار ما منسجم نیست. اتکا به ارزش‌های بازار سخت است». (MI02)

«بازارهای رقابتی واگذار شده به بخش خصوصی نداریم و قیمت بازارهای قابل اتکا وجود ندارد. یا اگر وجود داشته باشد به خوبی قابل بازیابی نیست». (MI06)

«از نظر بازار خیلی توسعه یافته نیستیم، در خیلی از حوزه‌ها بازار نداریم، آنهایی هم داریم که بهترینش بورس است یک جاهایی شبهه به آن وارد است». (MI03)

ارزش کارشناسی: تم فرعی دوم ارزش کارشناسی است. کدهای حاصل از این تم به چهار دسته مفهومی «دانش»، «تخصصی‌سازی»، «اخلاق حرفه‌ای» و «ساختار نظارتی» طبقه‌بندی شده است. خلاصه نظر مصاحبه‌شوندگان بر این است که در وضعیت فعلی، کارشناسان رسمی دادگستری کار ارزیابان در هر زمینه تخصصی را انجام می‌دهند که دانش کافی برای این کار را ندارند، به‌علت کاستی‌های نظارتی به اندازه کافی مستقل نیستند و محصول کار آنان به اطلاعات نادرست منجر خواهد شد.

با توجه به پیچیدگی و الزامات مربوط به افشای این استانداردها، ارزیابان باید به استانداردهای بین‌المللی و به‌خصوص استاندارد اندازه‌گیری ارزش منصفانه، از جهت رعایت الزامات استانداردها اشراف داشته باشند و تحت آموزش ارزیابان حرفه‌ای که قبلاً تجربه عملیاتی کردن ارزش‌های منصفانه را داشته‌اند، قرار گیرند. به بیان دیگر «دانش ارزیابی» به‌عنوان یک دسته مفهومی شکل می‌گیرد.

«همین الان رأی کارشناس خیلی وقت‌ها مشروط است. گزارش کارشناس همین جوری با خواندن یک آدم معمولی ده تا غلط از داخلش پیدا می‌شود، ولی متأسفانه حسابرسان چشم بسته قبول می‌کنند». (MI07)

«اگر آن ارزیابی که می‌آید ارزیابی باشد که حسابداری را خوب بلد باشد، خیلی کمک کننده است». (MI09)

«یکی از مسائل و مشکلاتی که داریم کسانی هستند که ارزیاب‌اند ... دانش ارزیابی ندارند. نمی‌توانند خوب ارزیابی بکنند». (MI11)

در حال حاضر به دلیل نبود نهاد رسمی ارزیابی، از کارشناس رسمی دادگستری استفاده می‌کنند که وظیفه آنها در اصل مسائل دادگاهی است و نیاز به تخصصی‌سازی احساس می‌شود. نمونه‌ای از نظرها به شرح ذیل است:

«کارشناس رسمی وظیفه‌اش دادگاه و این‌هاست و این‌ها مربوط به این زمینه‌ها نیستند که بخواهند دخالت کنند». (MI11)

«وقتی قضاوت زیاد است، من حسابدار به تنهایی نمی‌توانم در تمام این حوزه‌ها قضاوت کنم تخصص آن را ندارم نمی‌فهمم. مشخصاً به تنهایی کار من نیست، بنابراین وقتی اندازه‌گیری هم می‌خواهم انجام دهم باید از نظر مشورتی متخصصان خارج از حرفه خودم هم استفاده کنم». (MI05)

«... ما عادت داریم، یک نفر هزارتا کار انجام می‌دهد. کارشناس رسمی دادگستری الان تا به آنها بگی می‌گوید کار ماست ... بیاییم یک سری آدم متخصص این کار را ایجاد کنیم که کارشناس این کار می‌باشد». (MI08)

چگونگی استفاده از دانش و مهارت هنگام ارائه خدمات به جامعه، موضوع اخلاق حرفه‌ای است. ممکن است کارشناسان رسمی دادگستری کاملاً مستقل نباشند یا اینکه از مهارت و دانش تخصصی بالایی برخوردار باشند.

«بزرگ‌ترین مشکلی که دارد، عدم صداقت کارشناس است». (MI10)

«یکی از مواردی که وجود دارد، استقلال کارشناس است، می‌توانند قیمت‌ها را دستکاری کنند و کل ترازنامه تحت تأثیر قرار می‌گیرد». (MI11)

«دیدید که چقدر از کارشناسان رسمی دادگستری شکایت می‌شود که اصلاً شما پول گرفتی که بیشتر یا کمتر ارزیابی کردید. شاید اختلاف ارزیابی آنها خیلی زیاد باشد». (MI08)

نبود ساختار نظارتی مناسب شامل جرائم نامتناسب با تبعات، ممکن است به کوتاهی در انجام وظائف منجر شود. در ادامه، نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است:

«ما باید این [کم کاری کارشناس] را جرم بدانیم که کارشناسی روی هوا عدد ندهد. اگر قوانین مجازاتی سفت و سخت‌تر شود کارشناس می‌گوید، نمی‌توانم اندازه‌گیری کنم، کار من نیست». (MI10)

«ضمن اینکه نظارت مؤثرتری روی کار کارشناسان آنگونه که باید و شاید نیست ...». (MI11)

«... بر آن کارشناس نظارت درستی نیست ...». (MI04)

ابزارهای اندازه‌گیری: به منظور اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه، ابتدا به یک استاندارد اندازه‌گیری مناسب محیط کشور به عنوان رهنمود عمل نیاز است، پس از آن، نرم‌افزارهای مالی لازم است که انواع داده‌ها را به منظور قابلیت استفاده و اتکای مدل‌های اندازه‌گیری، ثبت و ضبط و نگهداری کند.

«ما باید استاندارد داشته باشیم یا اینکه رهنمود کلی داشته باشیم، بعد بقیه آن کلاً به عهده شرکت‌ها باشد. استاندارد برای ارزیابان باید مفید باشد». (MI10)

«فرض کنید ما کل شرکت‌ها را می‌خواهیم بدهیم به یک نفر بگوییم که تفاوت اشخاص و ارزیاب‌ها وجود ندارد،

بر اساس چه معیاری ارزیابی کنیم؟ آن خط‌کش و آن وزن چه باشد؟ ابزار کارش چه باشد؟ از چالش‌ها همین این است که اصلاً ما استاندارد ارزیابی نداریم». (MI08)

تم اصلی چهارم: حسابرسی ارزش‌های منصفانه

این تم از سه تم فرعی «دانش حسابرسی ارزش‌های منصفانه»، «اخلاق حرفه‌ای» و «افزایش مسئولیت» تشکیل شده است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

دانش حسابرسی ارزش‌های منصفانه: حسابرسان مسئولیت اطمینان‌بخشی رعایت استانداردهای حسابداری در صورت‌های مالی را برعهده دارند. حسابرسان بایستی برای بررسی ارزش منصفانه و اندازه‌گیری ارزش منصفانه در صورت‌های مالی، در زمینه استانداردهای ارزش منصفانه و اندازه‌گیری ارزش منصفانه دانش کافی داشته باشند؛ زیرا طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مسئول اندازه‌گیری‌ها هستند و گزارش آنها مبنای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. نظر مصاحبه‌شوندگان درباره دانش حسابرسان به شرح زیر است:

«ما در مؤسسات حسابرسی‌مان هم باید کارشناسان متخصص داشته باشیم که بتوانند ارزش منصفانه و برآوردها و مدل‌هایش را ببینند چقدر این مدل برازنده این دارایی‌ها می‌باشد ... یک نظارت درست‌تر و قبل از نظارت درست آموزش درست اهمیت دارد». (MI04)

«من سهام‌دار به صرف تأییدی که حسابرس کرده جلو می‌روم. بنابراین حسابرس مسئولیتش قطعاً بیشتر می‌شود حالا آنها باید خودشان را تجهیز کنند». (MI03)

اخلاق حرفه‌ای: مطابق با آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای، آنچه برای دستیابی به اهداف حرفه حسابداری توسط حسابداران حرفه‌ای لازم است، عبارت‌اند از: پایبندی به اصول بنیادی همچون درستکاری، بی‌طرفی، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، رازداری، رفتار حرفه‌ای و اصول و ضوابط حرفه‌ای. نظرهای برخی از مشارکت‌کنندگان درباره حسابرس و اخلاق حرفه‌ای در زیر آمده است:

«حسابرس به‌علت از دست ندادن صاحب کار و درآمد، استقلال ندارد». (MI12)

«در استانداردهای حسابرسی، استاندارد در باب استفاده از کار کارشناس داریم که آنجا می‌گوید از کار کارشناس استفاده کن، ولی مسئولیت با خود حسابرس می‌باشد. وقتی که همین جوری با خواندن یک آدم معمولی ده تا غلط از داخلش پیدا می‌شود، ولی حسابرس چشم بسته قبول می‌کند، همین ایرادها که به چشم می‌آید، متأسفانه برای ما در این مرحله است. ما همین الان هم برای تجدید ارزیابی‌ها داریم رأی کارشناس خیلی وقت‌ها مشروط است و دلایل آن خیلی قابل اتکا نیست و حسابرس هم نباید به آنها اتکا کند، چون نسبت به آنها مسئول است متأسفانه چشم بسته قبول می‌کند». (MI07)

افزایش مسئولیت: کیم و شی^۱ (۲۰۱۲) در بررسی اثر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر هزینه حسابرسی، دریافته‌اند که پیچیدگی مبتنی بر ارزش‌های منصفانه، برآوردها و قضاوت‌های پیچیده تهیه‌کنندگان و حسابرسان، باعث می‌شود که سطح عدم قطعیت و ریسک ارائه نادرست افزایش یابد. نظرها بر این است که حسابرسان از جمله افرادی هستند

که با پیاده‌سازی این استانداردها، مسئولیت و ریسکشان افزایش می‌یابد؛ زیرا استانداردها قضاوتی هستند. از طرفی حسابرسان افراد محافظه‌کاری هستند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، این عوامل، مقاومت از ناحیه حسابرسان را باعث می‌شود.

«خب حسابرس خیلی برایش سخت‌تر است. حسابرس مسئولیتش چندین برابر می‌شود. خواه ناخواه مقاومت از طرف حسابرس می‌باشد که به نظر مقاومت منطقی می‌آید». (MI04)

«حسابرسان مقاومت زیادی دارند انجام می‌دهد. بیشترین مخالفت را با ارزش منصفانه دارند چون مسئولیت آنها را زیاد می‌کند. حسابرس محافظه کار است». (MI09)

تم اصلی پنجم: مقاومت

این تم از دو تم فرعی «مقاومت در برابر تغییر» و «مقاومت به علت تأثیر در انتقال ثروت» تشکیل شده است که در ادامه تشریح می‌شوند.

مقاومت در برابر تغییر: بر اساس تئوری‌های رفتار سازمانی، افراد هنگام تغییر در سازمان، در برابر تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهند.

«مطلب دیگر، ما در واقع جامعه حسابداران در ایران و در دنیا، کلاً افرادی محافظه کار هستیم که در مقابل تغییر مقاومت می‌کنیم». (MI10)

«مقاومت در هر سازمان امری طبیعی است، ربطی به اجرا کننده و ناظر ندارد». (MI08)

«همیشه قانون جدید مقاومت ایجاد می‌کند». (MI07)

مقاومت به علت تأثیر در انتقال ثروت: تم فرعی دوم، مقاومت در برابر انتقال ثروت است. می‌توان ادعا کرد که سود مهم‌ترین رقم صورت‌های مالی است. سود حسابداری کاربردهای متعددی دارد که از آن جمله می‌توان کاربردهای معیاری برای ارزیابی عملکرد، مالیات، توزیع ثروت و سود و تصمیم‌گیری را نام برد (ولک، داد و روزیچکی، ۲۰۱۳). مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کنند که اغلب، سود مبنای تصمیم‌گیری در ایران است. از آنجا که ارزش منصفانه بر سود اثر دارد، در صورتی که برای هر کدام از گروه‌های ذی‌نفع زیان ایجاد شود، ذی‌نفعان در مقابل تغییرات ناشی از اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه مقاومت نشان خواهند داد.

«وقتی که دولت در واقع خودش در کسب‌وکار در شرکت‌ها صاحب مالکیت هست، حاضر نیست که اجازه دهد گزارش‌های ما واقعی شود». (MI10)

«به نظر من آنهایی که سودشان حالت زیان پیدا کند یا سودشان کم شود، مقاومت می‌کنند». (MI04)

فرصت‌ها

تم اصلی اول: صحت اطلاعات حسابداری

این تم از تم فرعی منبع اطلاعاتی تشکیل شده است. همان‌طور که بیان شد، حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در جهت ارزش‌های منصفانه به دلیل سودمندی بیشتر است. اغلب مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که در حال حاضر صورت‌های مالی محتوای اطلاعاتی ندارند و ترکیبی از اعداد نامربوط بهای تاریخی و ارزش جاری هستند که

قابلیت مقایسه و جمع‌پذیری ندارند و محتوایی را منتقل نمی‌کنند. با پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه اطلاعات حسابداری، اطلاعات مقایسه‌پذیرتر، واقعی‌تر، شفاف‌تر و مربوط‌تر شده و همه این‌ها باعث می‌شود که جایگاه حسابداری به‌عنوان منبع اطلاعاتی تقویت شود. در زیر نظر چند مصاحبه‌شونده را درباره این موضوع می‌خوانیم:

«... اعتقاد دارم با رفتن به سمت ارزش‌های منصفانه، حسابداری به واقعیت نزدیک‌تر شود...» (MI09)

«تمام فلسفه ارزش منصفانه این است که واقعیت را می‌خواهد نشان دهد، دیگر اطلاعات محرمانه وجود ندارد که مدیر بداند سرمایه‌گذار نداند.» (MI03)

«ارزش منصفانه قطعاً مفید است. صورت‌های مالی الان به درد نمی‌خورد. شرکت‌هایی که از ۴۰ سال پیش فعالیت می‌کنند، ارزش آنها در دفاتر یک ریالی شده و مقایسه‌پذیر نیستند.» (MI12)

تم اصلی دوم: شفافیت

ورا پولیا^۱ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌ها با انعکاس شرایط جاری بازار و فراهم آوردن اطلاعات به‌موقع برای تصمیم‌گیری، شفافیت را افزایش می‌دهد و همچنین، افزایش تعهد شرکت به شفافیت و افشا، از عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌کاهد. افزایش اطلاعات تسهیم ریسک را بهبود می‌دهد و در نتیجه، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد (ایزلی و اوهارا^۲، ۲۰۰۴). به بیان دیگر با افزایش افشا، شفافیت افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاران شرکت‌ها را بهتر می‌شناسند و در نتیجه بازده مورد انتظار آنها کاهش یابد. این باعث می‌شود که شرکت‌ها منابع را با هزینه کمتر تأمین کنند. مطالعات گوناگونی نشان دادند که کیفیت بهتر گزارشگری مالی، عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخل و خارج از واحد تجاری را کاهش می‌دهد که به جذب سرمایه در پروژه‌ها با خالص ارزش فعلی مثبت و افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری با پایین آوردن بازده مورد نیاز سرمایه‌گذاران منجر می‌شود (بیدل، کالاهان، هونگ و نولز^۳، ۲۰۰۹؛ رامن، شیواکومار و تامایو^۴، ۲۰۱۳، گودمن، نیمتو، شراف و وایت^۵، ۲۰۱۴).

«گزارشگری به ارزش‌های منصفانه در بلندمدت موجب کاهش هزینه مالی کشور می‌شود...» (MI02)

«از نظر افشا نسبت به استانداردهای فعلی صد درصد بهتر می‌شود. افزایش شفافیت پیش‌بینی سرمایه‌گذار را بهتر می‌کند.» (MI07)

«همه فلسفه ارزش منصفانه این است که واقعیت را می‌خواهد نشان دهد، دیگر اطلاعات محرمانه وجود ندارد که مدیر بداند سرمایه‌گذار نداند.» (MI03)

تم اصلی سوم: همسان‌سازی

همسان‌سازی از دو تم فرعی «توسعه دانش» و «مقایسه‌پذیری و یکسان‌سازی صورت‌های مالی» تشکیل شده است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

1. Vera Palea

3. Biddle, Callahan, Hong & Knowles

5. Goodman, Neamtiu, Shroff & White

2. Easley & O'Hara

4. Raman, Shivakumar & Tamayo

توسعه دانش: پژوهش‌های تکراری و ندیدن خلاقیت در ادبیات را می‌توان با پیاده‌سازی استانداردهای جدید، بهبود بخشید و زمینه توسعه ادبیات را فراهم آورد. مصاحبه‌شوندگان توسعه دانش را به شرح زیر مطرح کرده‌اند.

«... یک بحث دیگر باعث ارتقای دانش حسابداران می‌شود. وقتی با یک شیوه جدیدی با صورتهای مالی روبه‌رو شوند یا در واقع مبنای ارزش‌گذاری جدیدی برای صورتهای مالی به کار برند، باعث تکاپو در حسابداری هست یعنی باعث رشد حسابداری می‌شود». (MI10)

«حرکت به سمت ارزش‌های منصفانه فرصتی که ایجاد می‌کند، این است که شما می‌روی به سمتی که مجبور می‌شوید سیستم‌های نرم‌افزاری گزارشگری مالی را در مؤسسات مالی و بانک‌ها بتوانید تقویتشان کنید و بهبودشان دهید». (MI11)

مقایسه‌پذیری و یکسان‌سازی صورتهای مالی: همان طور که بیان شد، مطابق با چارچوب مفهومی IFRS، یکی از اهداف استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بهبود قابلیت مقایسه گزارشگری مالی است. قابلیت مقایسه، ویژگی مهم کیفیت گزارشگری مالی است و به‌عنوان کیفیت اطلاعات تعریف می‌شود که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های میان اقلام حسابداری را شناسایی کنند. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با کاهش تفاوت در گزارشگری مالی میان کشورها، به سودمندی اطلاعات کمک می‌کند، مبادلات بین‌المللی را ارتقا می‌دهد و همچنین قابلیت مقایسه صورتهای مالی را افزایش می‌دهد. در این تم، کدهای حاصل به دو طبقه مفهومی «جذب منابع مالی بین‌المللی» و «تسهیل فعالیت بین‌المللی» دسته‌بندی شده است.

به سه دلیل عمده، پیاده‌سازی IFRS برای سرمایه‌گذاری خارجی مهم است. یک IFRS جایگزین استانداردهای ناآشنای خاص هر کشور می‌شود؛ (دو) از آنجایی که تصور می‌شود IFRS کیفیت بیشتری نسبت به استانداردهای محلی دارد، شفافیت را برای سرمایه‌گذاران خارجی بهبود می‌دهد؛ (سه) استفاده از استانداردهای حسابداری یکسان، ممکن است قابلیت مشاهده سرمایه‌گذاری‌های خارج از مرزها را افزایش دهد (دی جورج و همکاران، ۲۰۱۶). تعداد زیادی از طرفداران معتقدند که گزارشگری IFRS نسبت به استانداردهای ملی باکیفیت‌تر است و پیاده‌سازی آن شفافیت مالی و مقایسه برون‌مرزی را بهبود می‌دهد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد و در نهایت جریان سرمایه خارجی را جذب می‌کند (ایزلی و اوهارا، ۲۰۰۴).

«شفاف‌سازی در جذب سرمایه‌گذار خارجی مؤثر است. از بانک‌های جهانی می‌توان با نرخ پایین تأمین مالی کرد» (MI02)

«هم از نظر جذب سرمایه‌گذار خارجی و هم نسبت به رشد بازار سرمایه در ابزارهای جدید، استانداردهای ما جوابگو نیست. مجبوریم به سمت IFRS برویم. طبق IFRS نمی‌توان یک تیکه را قبول کرد، یک تیکه را قبول نکرد. در IFRS هم بحث ارزش‌های منصفانه هست». (MI07)

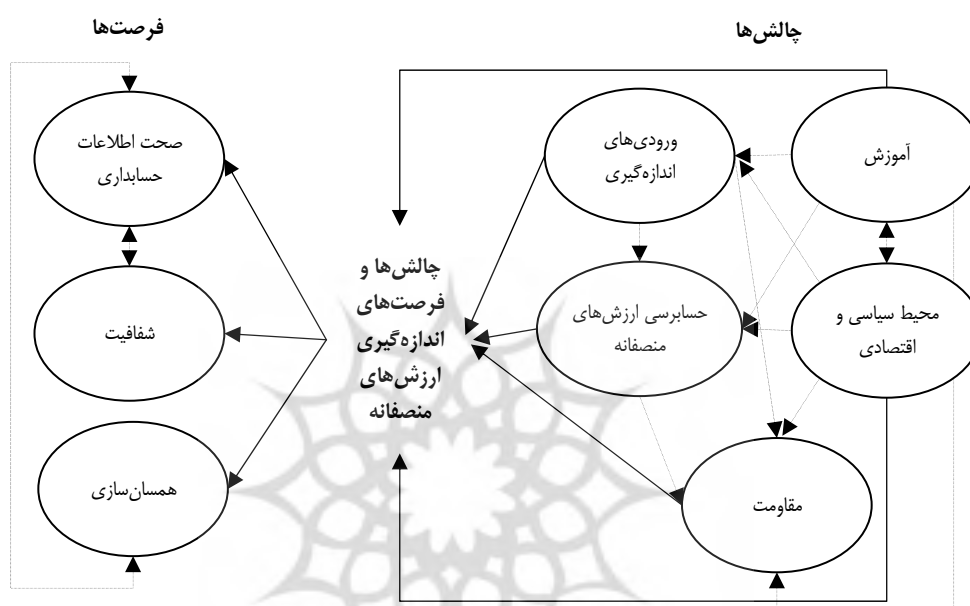
«اطلاعات برای تأمین‌کننده مالی اگر درست باشد، تصمیم تأمین‌کننده مالی هم درست‌تر می‌شود بر همه تأمین‌کنندگان اثر می‌گذارد». (MI05)

همراه با افزایش شرکت‌های چندملیتی، جهانی‌سازی در حرفه حسابداری شکل گرفته است (اسکات، ۲۰۱۳).

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با کاهش تفاوت در گزارشگری مالی از لحاظ اقتصادی، بین کشورها سودمندی را اثبات می‌کند و مبادلات بین‌المللی را ارتقا می‌دهد (دی‌جورج و همکاران، ۲۰۱۶). مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کنند که برای فعالیت در سطح بین‌الملل، باید زبان گزارشگری برای سرمایه‌گذاران برون‌مرزی فهم‌پذیر باشد.

«کلاً رابطه برقرار کردن با دنیا در زمینه حسابداری و ارزش منصفانه ما را به سمت بهبود می‌برد، برای اینکه با دنیا لینک بشویم باید به سمت IFRS برویم» (MI01)

در پایان و پس از بررسی کامل تم‌ها، مدل پژوهش به صورت ذیل ارائه می‌شود.



شکل ۱. نمودار چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، برخی شرکت‌های بورسی را به تهیه صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ملزم کرده است. با وجود کیفیت بالای استانداردهای بین‌المللی، پژوهش‌های صورت‌گرفته مبین آن است که کیفیت استانداردها تحت تأثیر محیط‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، تفاوت اصلی استانداردهای ملی ایران با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، استانداردهایی با محوریت ارزش‌های منصفانه است. این پژوهش با هدف تعیین چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در ایران، در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر اساس تحلیل تم صورت گرفت. بدین منظور با عنایت به اشیاع نظری، مصاحبه‌هایی با ۱۴ نفر از خبرگان شاغل در سازمان بورس و اوراق بهادار، افراد شاغل در سازمان حسابرسی، کارشناس رسمی دادگستری، حسابداران رسمی و اعضای هیئت علمی دانشگاه صورت گرفت.

خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی، به فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه دیدگاه مثبتی دارند. به اعتقاد مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، صورت‌های مالی در حال حاضر محتوای اطلاعاتی ندارند و ترکیبی از اعداد نامربوط بهای تاریخی و ارزش‌های جاری هستند که قابلیت مقایسه و جمع‌پذیری ندارند و هیچ محتوایی را منتقل نمی‌کنند. در صورت استفاده از ارزش‌های منصفانه، اطلاعات حسابداری به اطلاعاتی مقایسه‌پذیرتر و و مربوط‌تر تبدیل خواهد شد. از طرفی دیگر، ارزش‌های منصفانه اطلاعات مفیدی برای پیش‌بینی جریان‌های نقد آتی فراهم می‌کند و باعث می‌شود عدم تقارن اطلاعاتی کاهش و شفافیت افزایش یابد. همچنین با پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی، مقایسه‌پذیری بین صورت‌های مالی شرکت‌های داخلی با شرکت‌های بین‌المللی بیشتر خواهد شد که این مورد، جذب راحت‌تر منابع بین‌المللی (سرمایه‌گذاری خارجی) و نیز تسهیل فعالیت‌های بین‌المللی را موجب می‌شود. با عنایت به وجود فاصله میان محیط حسابداری و گزارشگری مالی ایران و سایر کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی را پذیرفته و پیاده‌سازی کرده‌اند، به نظر می‌رسد به دلیل جذب سرمایه‌های خارجی و سایر منافع حاصل از آن، اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، فرصت‌هایی را برای شرکت‌های داخلی فراهم آورد.

از طرفی، همان گونه که در قسمت یافته‌های پژوهش نیز بیان شد، چالش‌های اندازه‌گیری و افشای اطلاعات با محوریت ارزش‌های منصفانه، می‌توانند مسبب عدم مشروعیت و پذیرش کامل استانداردهای حسابداری ارزش منصفانه‌محور شوند و همین موضوع می‌تواند استفاده از این استانداردها را در عمل، چالش‌برانگیز کند. برای مثال، موانع پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری، لزوماً تکنیکی نیستند؛ بلکه مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز از عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شوند. تورم و نوسان نرخ ارز و ناپایداری‌های اقتصادی و سیاسی گزارشگری ارزش‌های منصفانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین آموزش حسابداران و حساب‌برسان و هزینه این آموزش نیز موضوعی است که می‌تواند از موانع اصلی به کارگیری استانداردهای ارزش منصفانه‌محور باشد. از طرفی، طبق تئوری رفتار سازمانی، همیشه در برابر تغییر مقاومت وجود دارد و حتی ممکن است که مشروعیت‌نداشتن الگوی اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه بین اعضای حرفه، از عوامل فنی زمینه‌ساز مقاومت در برابر رعایت و پذیرش استانداردهای حسابداری با محوریت ارزش منصفانه شود. همچنین نبود بازار فعال و ارزش کارشناسی به‌عنوان ورودی‌های اندازه‌گیری و همچنین حسابرسی ارزش‌های منصفانه، از چالش‌های دیگر اندازه‌گیری ارزش منصفانه از دیدگاه خبرگان حرفه است که در قسمت قبل به تفصیل به بحث گذاشته شد.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های حاجی کرمانی و همکاران (۱۳۹۶)، مقدسی و همکاران (۱۳۹۶)، طاهری و رحمانی (۱۳۹۶) و کرمی و بیک‌بشرویه (۱۳۹۶) هم‌خوانی دارد، نتیجه پژوهش‌های آنان نیز مبین مربوط‌تر بودن ارزش‌های منصفانه نسبت به بهای تمام‌شده تاریخی است. برای مثال، در مقاله کرمی و بیک‌بشرویه (۱۳۹۶)، به کاستی‌های آموزش، نبود استاندارد اندازه‌گیری و ارزیابی، بازارهای ناقص، سیاست‌های مالیاتی و سایر موارد مطرح شده در این پژوهش اشاره شده است که نتایج آنان مشابه نتایج پژوهش حاضر است و تضادی در نتایج وجود ندارد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش سوئیت و همکارانش (۲۰۱۸) همسو است، در پژوهش آنان نیز آموزش افراد درگیر در فرایند گزارشگری مالی و تأثیر پذیرش استاندارد جدید بر سود حسابداری، از چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه شناخته شده است.

پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

علی‌رغم چالش‌های اندازه‌گیری و گزارشگری ارزش‌های منصفانه، به نظر می‌رسد که منافع پیاده‌سازی استانداردهایی با محوریت ارزش‌های منصفانه شایان توجه باشد. البته، به‌منظور رفع موانع و چالش‌های حاصل از یافته‌های این پژوهش، باید گامی بلند برداشته شود. می‌توان ادعا کرد مادامی که وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور به سمت اقتصاد آزاد حرکت نکند، اهداف اندازه‌گیری و همچنین گزارشگری ارزش‌های منصفانه تحقق نخواهد یافت. از این رو تا زمانی که تدابیری برای اقتصاد دولتی، تورم و مالیات در سطح کلان اقتصادی اتخاذ نشود، اندازه‌گیری و گزارشگری ارزش‌های منصفانه به بهبود سودمندی اطلاعات حسابداری کمکی نخواهد کرد. آموزش نیز در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی جنبه بسیار مهمی است که می‌توان برای آموزش، از مدرسان حرفه‌ای بین‌المللی با تجربه گذار از بهای تمام‌شده تاریخی به ارزش‌های منصفانه بهره برد. علاوه بر آن، آموزش جامعه حسابداران و حسابرسان، می‌تواند موجب شود هزینه‌های محتمل ناشی از مقاومت اعضای جامعه کاهش یابد؛ اما به دلیل منافع حاصل از اندازه‌گیری و گزارش ارزش‌های منصفانه که در این پژوهش بدان پرداخته شد، پیشنهاد می‌شود که به‌منظور همگرایی هرچه بیشتر با الزامات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و جامعه جهانی برای تسهیل دریافت سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش شفافیت و سایر منافع حاصله، فرایند پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری ارزش منصفانه‌محور، توسط سازمان حسابرسی تسریع شود. به هر حال، فاصله‌گرفتن از بهای تاریخی و حرکت به سمت ارزش‌های منصفانه، به توسعه دانش و مفیدبودن اطلاعات حسابداری می‌انجامد. علاوه بر آن، پیشنهاد می‌شود برای رتبه‌بندی ارزیابان مستقل و همچنین تدوین قوانین بازدارنده در خصوص تخلف در اندازه‌گیری ارزیابان، تدابیر لازم اتخاذ شود. گفتنی است، مزایای ناشی از اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی، از طریق همکاری منسجم سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی محقق خواهد شد.

در پژوهش‌های آتی مربوط به افزایش سودمندی اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری، می‌توان با استفاده از روش آزمایشگاهی بررسی کرد که آیا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، در زمان استفاده از اطلاعات ارزش‌های منصفانه به جای اطلاعات بهای تاریخی، تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و صحیح‌تری را انجام می‌دهند یا خیر. در ضمن، می‌توان به‌منظور یافتن نحوه مناسب پیاده‌سازی گام به گام استانداردهای حسابداری بین‌المللی در داخل کشور، مطالعاتی را انجام داد؛ زیرا به‌طور مسلم، پیاده‌سازی آن در ایران، به لحاظ سیاسی و اقتصادی با سایر کشورهایی که این استانداردها را پیاده‌سازی کرده‌اند، متفاوت است. همچنین می‌توان در پژوهشی جداگانه، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه با استفاده از روش‌های کمی پرداخت تا محدودیت تعمیم‌دهی این پژوهش نیز رفع شود.

در ادامه به برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر اشاره خواهد شد. انگشت‌شمار بودن افراد متخصص در جهت پیشبرد اهداف پژوهش و همچنین محدودیت در پیشینه ادبیات مربوط به ارزش‌های منصفانه در داخل کشور، از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. همچنین وقت‌گیر بودن و زمان‌بر بودن مصاحبه، ممکن است مشارکت‌کننده را کلافه کند و این موضوع احتمالاً بر کیفیت و نتایج پژوهش اثر می‌گذارد. یکی دیگر از محدودیت‌های هر پژوهش کیفی، گرایش‌های شخصی پژوهشگر است؛ زیرا پژوهش کیفی به تفسیر داده‌ها نیاز دارد و ممکن است بر تفسیر وی اثر بگذارد.

اما تا حد امکان تلاش شده است که صرف‌نظر از گرایش‌های ذهنی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با بی‌طرفی تحلیل و تفسیر شوند. همچنین پیامدهای حاصل از ارزش‌های منصفانه به اجرا و کیفیت اجرا بستگی دارد و تا اجرای آن، مصاحبه‌شوندگان نمی‌توانند به‌صورت دقیق مفاهیم ذهنی خود را تشریح کنند. این مسئله نیز یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان.
- اشتراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. (ابراهیم افشار، مترجم). تهران: نشر نی.
- حاجی کرمانی، سمیرا؛ معین‌الدین، محمود؛ حیرانی، فروغ (۱۳۹۶). تأثیر کاربرد ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی در بهبود ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲)، ۵۳-۷۲.
- طاهری، ماندانا؛ رحمانی، علی (۱۳۹۶). بهای تمام شده یا ارزش منصفانه تسهیلات، کدام یک بر زبان اعتباری شبکه بانکی ایران مؤثرتر است. پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱۰(۳۳)، ۴۸۱-۵۰۸.
- کریمی، غلامرضا؛ بیگ بشرویه، سلمان (۱۳۹۶). تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۴)، ۵۷۳-۵۹۶.
- گل محمدی، مریم؛ رحمانی، علی (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌های فنی به‌کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS 13. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۳)، ۳۸۷-۴۱۴.
- مقدسی نیکجه، مینا؛ حجازی، رضوان؛ اکبری، مرتضی؛ دهقان دهنوی، محمد علی (۱۳۹۶). تأثیر برآورد ارزش منصفانه پورتنوی تسهیلات اعطایی بانک‌ها با رویکرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (مطالعه موردی: یک بانک ایرانی). بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۴)، ۵۹۷-۶۲۱.

References

- Assenso-Okofu, O., Ali, M. J., & Ahmed, K. (2011). The Development of Accounting and Reporting in Ghana. *The International Journal of Accounting*, 46(4), 459-480.
- Azkiya, M., & Darban Astaneh, A. (2003). *Applied Research Methods*. Tehran: Keyhan Publication. (in Persian)
- Ball, R. (2006). International Financial Reporting Standards (IFRS): Pros and Cons for Investors. *Accounting and Business Research*, (36)1, 5-27.
- Barth, M. (2006). Including estimates of the future in today's financial statements. *Accounting Horizons*, 20(3), 271-285.
- Barth, M., & Landsman, W. (1995). Fundamental issues related to using fair value accounting for financial reporting. *Accounting Horizons*, 9(4), 97-107.

- Benston, G. (2005). Accounting doesn't Need Much Fixing (Just Some Reinterpreting). *Journal of Applied Corporate Finance*, 15(3), 83-96.
- Biddle, G., Callahan, C., Hong, H., & Knowles, R. (2013). Do Adoptions of International Financial Reporting Standards Enhance Capital Investment Efficiency? *Working paper*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2353693>.
- Bova, F., & Pereira, R. (2012). The determinants and consequences of heterogeneous IFRS compliance levels following mandatory IFRS adoption: Evidence from a developing country. *Journal of International Accounting Research*, 11(1), 83-111.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Bushman, R., & Landsman, W. (2010). The pros and cons of regulating corporate reporting: a critical review of the arguments. *Accounting and Business Research*, 40(3), 259-273.
- De George, E., Li, X., & Shivakumar, L. (2016). A Review of the IFRS Adoption Literature. *Review of Accounting Studies*, 21(3), 898-1004.
- Easley, D., & O'Hara, M. (2004). Information and the Cost of Capital. *Journal of Finance*, 59(4), 1553-1583.
- Elliott, B., & Elliott, J. (2009). *Financial Accounting & Reporting*. London: Pearson Education Limited.
- Georgiou, O., & Jack, L. (2011). In pursuit of legitimacy: A history behind fair value accounting. *The British Accounting Review*, 43(4), 311-323.
- Golmohammadi, M., & Rahmani, A. (2018). Technical Challenges of Implementing Fair Values in Financial Reporting of Iran: Emphasizing on IFRS13 Requirements. *Accounting and Auditing Review*, 25(3), 387-414. (in Persian)
- Goodman, Theodore, Neamtiu, Monica, Shroff, Nemit, & White, Hal (2014). Management Forecast Quality and Capital Investment Decisions. *The Accounting Review*, 89(1), 759-790.
- Hajikermani, S., Moeinadin, M., & Heirany, F. (2018). Fair Value in Financial Reporting and Improvement of Accounting Information Value Relevance. *Empirical Research in Accounting*, 7(2), 53-72. (in Persian)
- Horton, J., Serafeim, G., & Serafeim, I. (2013). Does Mandatory IFRS Adoption Improve the Information Environment? *Contemporary Accounting Research*, 30(1), 388-423.
- Adibah Wan Ismail, W., Anuar Kamarudin, K., Van Ziji, T., Dunstan, K. (2013). Earnings quality and the adoption of IFRS-based accounting standards: Evidence from an emerging Market. *Asian Review of Accounting*, 21(1), 53-73.
- Karami, Gh., & Beik Boshrouyeh, S. (2018). Developing a Model for Implementing the Fair Value Approach in Iran: With Emphasis on Measurement. *Accounting and Auditing Review*, 24(4), 573-596. (in Persian)
- Khlif, H., & Achek, I. (2016). IFRS Adoption and Auditing: A Review. *Asian Review of Accounting*, 24(3), 338-361.
- Kim, J.B., & Shi, H. (2012). IFRS reporting, firm-specific information flows, and institutional environments: International evidence. *Review of Accounting Studies*, 17(3), 474-517.

- Landsman, W. (2007). Is Fair Value Accounting Information Relevant and Reliable? Evidence from Capital Market Research. *Accounting and Business Research*, 37, 19-30.
- Misirlioglu, I. U., Tucker, J., & Yukselturk, O. (2013). Does Mandatory Adoption of IFRS Guarantee Compliance? *The International Journal of Accounting*, 18(3), 327-363.
- Moghadasi Nikjeh, M., Hejazi, R., Akbari, M., & Dehghan Dehnavi, M. A. (2018). Impact of Estimating Fair Values of Bank Loans Using the Approach of the International Financial Reporting Standards (Case Study: An Iranian Bank). *Accounting and Auditing Review*, 24(4), 597-621. (in Persian)
- Nurunnabi, M. (2015). The impact of cultural factors on the implementation of global accounting standards (IFRS) in a developing country. *Advances in Accounting*, 31(1), 136-149.
- Palea, V. (2014). Fair Value Accounting and Its Usefulness to Financial Statement Users. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(2), 102-116.
- Pandya, A. (2016). *Resistance to IFRS 13 - initial insights* (Doctoral dissertation).
- Raman, K., Shivakumar, L., & Tamayo, A. (2013). Targets' Earnings Quality and Bidders' Takeover Decisions. *Review of Accounting Studies*, 18(4), 1050-1087.
- Ramanna, K. (2013). Why "Fair Value" Is the Rule. *Harvard Business Review*, 16(2), 109-133.
- Ronen, J. (2008). To Fair Value or not to Fair Value: A Broader Perspective. *Abacus*, 44(2), 181-208.
- Scott, W. (2013), *Financial Accounting Theory*, New Jersey: Prentice Hall.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2013). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Tehran: Ney Publication. (in Persian)
- Swait, N., Patel, A., & Maroun, W. (2018). Exploring the decision to adopt International Financial Reporting Standards early: The case of International Financial Reporting Standards 13. *Journal of Economic and Financial Sciences*, 11(1), 1-12.
- Taheri, M., & Rahmani, A. (2017). Financial Loans Cost or Fair Value, Which One Has More Effect on Credit Loss of Banking System. *Journal of Monetary and Banking Research*, 10(33), 481-508. (in Persian)
- Wolk, H.I., Dodd, J.L. & Rozycki, J.J. (2013). *Accounting Theory: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, 8th Edition, New York: Sage Publication Inc.